

در سوگ احمد قابل

« بزرگ بود/ و از اهالی امروز بود/ و با تمام افق‌های باز نسبت داشت/ و لحن آب و زمین را چه خوب می فهمید/... و رفت تا لب هیچ/ و پشت حوصله نورها دراز کشید/ و هیچ فکر نکرد/ که ما میان پریشانی تلفظ درها/ برای خوردن یک سیب/ چقدر تنها ماندیم» از شنیدن خبر روی در نقاب خاک کشیدن احمد قابل بسیار اندوهگین شدم؛ سالهاست که صداقت، حریت، تواضع، بی تکلفی، پاکدامنی و پای مردی او را می ستایم. غزالی در کتاب « ذکر الموت» از سه گونه مواجهه آدمیان با مرگ سخن می گوید: کسانی که شیرین می زیند و آنقدر تعلقات و دلبستگی‌های دنیوی دارند که از مرگ می‌هراسند و تلخ می‌میرند؛ دسته دوم افرادی‌اند که از وضعیت روحی خود راضی نیستند و در آرزوی در رسیدن روزگار بهتری هستند؛ اما عزم و اراده برای تغییر و توبه ندارند و در حسرت سر برآوردن رستاخیزی در سرزمین وجودشان، شب و روز را دوره می‌کنند؛ دسته سوم گروهی هستند که به استقبال مرگ می‌روند، چرا که زوال و عدم مانایی دنیا را به رأی العین دیده‌اند و دلبستگی چندانی به دنیا ندارند و کبوتر جان‌شان در آرزوی حفره کردن زندان و پرواز به سمت بی سو و دیار دوست است:

حفره کن زندان و خود را وارهان

این جهان زندان و ما زندانیان

احمد قابل از گروه سوم بود؛ تعلقات دنیوی چندانی نداشت و خود را بسان مسافری می‌انگاشت که قرار است چند صبحی در این دنیا بزید و پس از آن به «خلوت ابعاد زندگی» سفر کند و هم نورد افق‌های دور شود؛ تمام زندگی پاک او بر این امر گواهی می‌دهد. کثیری چون من، هیچوقت نشنیده بودند که او ترکشی به یادگار از دوران جنگ ۸ ساله ایران و عراق در بدن داشت، مگر وقتی اخیراً پزشکان مجبور به عمل جراحی و خارج کردن ترکش شدند؛ همچنین، در حالیکه از مرحوم آیت الله منتظری اجازه نامه اجتهاد داشت، سالها بود که لباس روحانیت را از تن به در آورده بود و با مناعت طبع زندگی می‌کرد و خم به ابرو نمی‌آورد؛ خورشید سواری که رنج خود و راحت یاران را می‌طلبد. « شجاعت بودن» در او موج می‌زد؛ با دغدغه‌های اصیل وجودی و معرفتی خویش زندگی می‌کرد و دلمشغول آنها بود؛ اگر بر اثر تبعات و تأملات دراز آهنگ فقهی به موضعی می‌رسید؛ باکی از ابراز آن نداشت؛ ولو اینکه خلاف رأی جمهور بود. سخنان او درباره حکم « حجاب» از این دست بود؛ بدیع و خلاف آمد عادت و جسورانه.

مرحوم قابل از تبار «احیاگران دینی» بود؛ محییانی که دغدغه‌های دینی و معرفتی پررنگی دارند و در اندیشه بازسازی معرفت دینی و نحوه زیست مؤمنان در جهان جدیدند. عموم آثار مکتوب و پروژه ایشان موسوم به «شریعت عقلانی» را باید اینگونه فهمید و ذیل این مقوله گنجانند و ارج نهاد. در نگرش احیاگرایانه؛ شخص احیاگر، بسته به تشخیص خود، بر جوانب مغفول دین انگشت تأکید می‌نهد؛ چنانکه غزالی در قرن پنجم هجری به «احیاء علوم دین» با تأکید بر علم اخلاق همت گماشت. در دوران معاصر نیز، مرحوم طباطبایی و مطهری با برگرفتن سلاح از زرادخانه فلسفه اسلامی، در کسوت متکلم؛ به نقد آموزه‌های مارکسیستی همت گمارده و تمام هم خویش را برای بدست دادن تبیینی معقول و موجه از مدعیات اسلامی بکار گرفتند. قابل نیز می‌کوشید با رجوع به سنت

فقهی و بازخوانی انتقادی آن به مدد عقل دینی، آراء ابتکاری خویش در قلمرو فقه را پیش چشم دیگران قرار دهد. اگر نحله روشنفکری دینی می‌کوشد با بکار بستن عقلانیت نقاد و مدد گرفتن از فراورده‌های معرفتی جهان جدید که در فلسفه و علوم اجتماعی و علوم تجربی جدید بروز و ظهور پیدا کرده؛ به بازخوانی انتقادی سنت دینی پرداخته و در مؤلفه‌های گوناگون سنت به دیده عنایت بنگرد، احیاگران دینی بیشتر دلمشغول پالایش و بازخوانی انتقادی سنت دینی‌اند؛ با رجوع به مؤلفه‌های مختلف سنت اسلامی نظیر فلسفه، کلام، فقه، عرفان. در این راستا، ایشان از ظرفیت‌های مغفول واقع شده و نادیده انگاشته شده در سنت دینی مدد می‌گیرند و چندان در اندیشه دستاوردهای معرفتی جهان جدید نیستند.

چنانکه درمی‌یابیم؛ تحقق تجربه‌های دل‌انگیز باطنی و معنوی و زیستنِ مسلمانی معقول و کارآمد در روزگار کنونی، در گرو بسط و نهادینه شدن قرائت خرد نواز و اخلاقی و انسانی از اسلام است. برای تحقق این مهمبه آثار رهگشای هر دو طایفه روشنفکران و احیاگران دینی نیاز مبرم داریم.

افسوس که مرحوم قابل مجال چندان برای بسط بیشتر ایده‌های احیاگرایانه خویش نیافت و دست اجل او را نا بهنگام از ما گرفت. رحمت و درود بیکران پروردگار بر روح پاک آن عزیز سفر کرده باد. خداوند را می‌خوانیم تا به خانواده داغدار مرحوم قابل، صبر و خویشتن‌داری بر این مصیبت عطا کند:

این دعای خویش را کن مستجاب

چون دعایمان امر کردی ای عجاب